

## بررسی مقایسه‌ای معیارشناسی خردمندی در روایات اهل‌بیت - علیهم السلام - با دستاوردهای روان‌شناختی

فریناز موحد<sup>۱</sup>، خدیجه ابوالمعالی الحسینی<sup>۲</sup>، فریبرز باقری<sup>۳</sup>

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۱۲/۰۴، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۴/۰۵

### چکیده

هدف از پژوهش حاضر، بررسی معیارهای خردمندی در روایات اهل‌بیت - علیهم السلام - و روش تحقیق از نوع کیفی با رویکرد تحلیل محتوای عرفی است. جامعه آماری پژوهش، همه روایات کتب اربعه و مصادر بحار الانوار را شامل می‌شود. برای نمونه‌گیری، از روش هدفمند و برای تحلیل داده‌ها از توصیف، مقایسه، مقوله‌بندی و مفهوم‌سازی استفاده کرده‌ایم. یافته‌ها نشان می‌دهند مؤلفه‌های خردمندی از دیدگاه اهل‌بیت - علیهم السلام - مجموعه‌ای از ویژگی‌های درون‌فردی (هفت کد نظری و ۴۷ کد اساسی)، بین‌فردی (شش کد نظری و ۳۵ کد اساسی)، در ارتباط با دنیا و آخرت (دو کد نظری و چهار کد اساسی) و در ارتباط با معبود (چهار کد نظری و هفده کد اساسی) بودند. کثرت کدهای نظری درون‌فردی و بین‌فردی، بیانگر اهمیت اخلاق و ارتباطات انسانی از نظر اهل‌بیت - علیهم السلام - است. علاوه بر منابع یادشده، سی مقاله و کتاب تخصصی مرتبط با مبحث خرد در حوزه روان‌شناسی (تألیف‌شده از سال ۱۹۹۰ تا سال ۲۰۲۰) بررسی و کدگذاری باز، محوری و انتخابی شده است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد مؤلفه‌های خردمندی از دیدگاه روان‌شناسان، مجموعه‌ای از ویژگی‌های درون‌فردی (سه کد نظری و نه کد اساسی)، بین‌فردی (چهار کد نظری و ۳۵ کد اساسی) و در ارتباط با اجتماع (سه کد نظری و چهار کد اساسی) بوده است. درنهایت، این دو دیدگاه را با هم مقایسه کرده و نتیجه گرفته‌ایم بین معیارهای خردمندی در دو دیدگاه، رابطه عموم و خصوص من وجه وجود دارد و این دو معیار، دارای نقاط اشتراک و افتراق هستند. در هردوی آن‌ها ارزش‌ها در نظر گرفته شده است؛ هرچند آن‌ها در مبدأ و مبنای ارزش‌ها و مصداق‌هایشان تفاوت‌هایی دارند.

**واژگان کلیدی:** خرد، عقل، روایات، دستاوردهای روان‌شناختی.

۱. دانشجوی دکتری گروه روان‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی، رودهن، ایران (نویسنده مسئول).

am.tafazoli@gmail.com

abolmaali@riau.ac.ir

۲. دانشیار گروه روان‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی، رودهن، ایران.

۳. دانشیار گروه روان‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات، تهران، ایران.

f.bagheri@srbiau.ac.ir

## بیان مسئله

انسان‌شناسی، یکی از زیربنایی‌ترین عناوین حوزه روان‌شناسی است که همواره اندیشمندان به آن توجه کرده‌اند. خرد یکی از نقاط قوت انسان محسوب می‌شود که در تأمین بهداشت روانی و موفقیت او در راستای ارزش‌ها نقشی مهم ایفا می‌کند. تبیین مفهوم خرد در حوزه روان‌شناسی با استفاده از مبانی متفاوتی صورت گرفته است و نتایج به دست آمده، دارای نقاط اشتراک و افتراق هستند. خالق انسان، او را در قرآن کریم و همچنین روایات معصومین - علیهم السلام - معرفی کرده است. مراجعه به این آموزه‌ها در تبیین مفهوم خرد با به‌کارگیری روش‌های پژوهش علمی در حوزه علوم روان‌شناختی و با در نظر گرفتن پیشینه مطالعاتی روان‌شناسان، گامی ارزنده در مسیر درون‌دینی و بومی‌سازی روان‌شناسی است.

سند تحول بنیادین با توجه به اهمیتی که برای پرورش انسان عاقل قائل شده است، نشان می‌دهد پژوهش درباره خرد و خردورزی از موضوع‌های مهم در آموزش و پرورش ایران است. به صورت مستقیم، سیزدهمین گزاره ارزشی نظام تعلیم و تربیت رسمی عمومی در این سند، پرورش، ارتقا و تعمیق انواع و مراتب عقلانیت در همه ساحت‌های تعلیم و تربیت دانسته شده است (سند تحول بنیادین، ۱۳۹۰).

در بخش دستاوردهای روان‌شناسی، واژه «خرد» و معادل انگلیسی آن، یعنی *Wisdom* بررسی شده است. معرفی خرد، اغلب با تلفیق یک دانش و چگونگی عملکرد صورت می‌گیرد و در تعریف خرد، غالباً چيستی شخصیت کامل و فضیلت‌های انسانی، چگونگی عملکرد ذهن و پرهیزکاری مورد توجه است. اگرچه روان‌شناسی خرد، قدمت زیادی ندارد، محققان در این حوزه، مدل‌های نظری و عملی مختلفی را به دست داده‌اند (Kunzmann, 2019). از آنجا که تعریف‌های عرضه شده درباره خرد براساس مبانی متفاوت و در ابعاد مختلفی مانند روان‌شناختی، فرهنگی - اجتماعی و فلسفی صورت گرفته‌اند، برخی معتقدند درباره خرد، تعریفی واحد و مورد توافق همگان وجود ندارد (Kalyar, 2018). آردلت<sup>۱</sup>

---

1. Ardel

معتقد است همه اندیشمندان بر سر این مسئله اتفاق نظر دارند که خرد مشتمل بر دانش، تفکر، درک و بینش، تأمل و بازنگری، و توجه هم‌زمان به دیدگاه‌ها و منافع خود و دیدگاه‌ها و منافع دیگران است (2011 به نقل از کردنوقایی، ۱۳۹۶). هیلگارد و اتکینسون<sup>۱</sup> (۱۳۸۱) خرد را همانند هوش، یک قوه ذهنی بنیادین دانسته‌اند که قضاوت‌کردن و انطباق‌یافتن با وضعیت‌های گوناگون را برعهده دارد. بینه و سیمون خرد را نوعی استعداد دانسته‌اند که ویژگی آن، خوب قضاوت‌کردن، خوب درک‌کردن، خوب استدلال‌کردن و انطباق‌یافتن با موقعیت‌های مختلف است (به نقل از شریفی، ۱۳۷۶). گراث<sup>۲</sup> و مارنات (۱۳۷۵) هوش، خرد و شعور عملی را دارای یک معنا قلمداد کرده‌اند. گیچ<sup>۳</sup> و برلاینر<sup>۴</sup> (۱۳۷۴) خرد را تقریباً به معنای هوش دانسته و آن را عبارت از توان و ماهیتی به‌شمار آورده‌اند که استدلال، حل‌کردن مسائل، فراگیری، و کسب مهارت‌های هیجانی و اجتماعی را برعهده دارد. ژان پیازه خرد را عبارت از قوه شناخت و معادل با هوش شناختی دانسته و آن را یک نیروی کیفی به‌شمار آورده است که انطباق و سازگاری با محیط و موقعیت‌های جدید را برعهده دارد (As Cited in Kazdin, 2000). مدل خرد برلین به‌همت پل بالتز و همکارانش گسترش یافت (Baltes and Staudinger, 2000 As Cited in Glück, ). (2017; Baltes and Smith, 1990). در پارادایم برلین، خرد عبارت از دانشی تخصصی دانسته شده که به دانش عمیق و مهارت در زمینه‌ای خاص اشاره می‌کند که از تجربه در طول زمان به‌دست آمده است (Glück, 2017). در واقع، خرد، یک نظام تخصصی دانش در خصوص مسائل بنیادین زندگی است (Baltes and Staudinger, 2000) به نقل از کردنوقایی، ۱۳۹۶).

- 
1. Atkinson
  2. Groth
  3. Gage
  4. Borliner

استرنبرگ نظریه توازن یا تعادل خرد را به‌عنوان کاربرد هوش و تجربه درسایه ارزش‌ها برای دستیابی به خیر همگانی تعریف کرد (Sternberg, 1998) به نقل از کردنوقابی، ۱۳۹۶؛ اسعدی، امیری، مولوی و باقری نوع‌پرست، ۱۳۹۲) و مدل سه‌بعدی خرد آردلت نیز یکی از معروف‌ترین الگوهای نظری درحوزه خرد است (کردنوقابی، ۱۳۹۶). آردلت خرد را به‌عنوان ترکیبی از ویژگی‌های شخصیتی شناختی<sup>۱</sup>، تأملی (انعکاسی)<sup>۲</sup> و عاطفی<sup>۳</sup> تعریف کرده است. (Zacher and Staudinger, 2018). وبستر یک مدل پنج‌عاملی را برای خرد تدوین کرده که پدیده‌ای چندبعدی و کل‌گرایانه است؛ یعنی هیچ‌کدام از این ابعاد به‌تنهایی نماینده خرد نیستند و همه آن‌ها باید حاضر باشند تا خرد ظهور یابد؛ البته راه برای یافتن ابعاد جدید، همچنان باز است (Webster, 2003) به نقل از کردنوقابی، ۱۳۹۶). مدل خرد وبستر از پنج عامل تشکیل شده است: تجربه‌های بحرانی؛ تنظیم هیجانی و پذیرش و به‌کار بستن هیجان‌ها؛ مرور خاطرات و بازبینی آن‌ها به‌منظور دیدن وجوه مختلف؛ گشودگی به تجربه؛ شوخ‌طبعی برای آرامش‌بخشیدن به خود و دیگران و قوی‌تر کردن پیوندهای اجتماعی (چراغی، کدیور، عسگری و فرزاد، ۱۳۹۴). وبستر برای سنجش خرد، مقیاس خودارزیابی خرد<sup>۴</sup> را به‌دست داد (Webster, 2007 As Cited in Glück, 2017). یانگ<sup>۵</sup> دیدگاه فرایندی خرد را عرضه کرد که در آن، خرد به‌عنوان فرایندی در یک زمینه خاص و در بازه زمانی مشخص از طریق تعامل بین فرد و یک موقعیت در زندگی واقعی تعریف شده که فرد با آن روبه‌روست. این فرایند، سه جزء ساختاری را شامل می‌شود: یکپارچگی شناختی<sup>۶</sup>، عمل تجسم<sup>۷</sup>، و اثرهای مثبت برای خود و دیگران. درمجموع می‌توان گفت تاکنون، هیچ‌گونه تعریف قابل قبول و جهانی‌ای درباره خرد عرضه نشده است؛ اما

- 
1. Cognitive
  2. Reflective
  3. Affective
  4. SAWS
  5. Yang
  6. Cognitive Integration
  7. Embodying Action

شباهت بسیاری بین تعریف‌های خاص وجود دارد که در همه آنها خرد به‌عنوان یک مفهوم چندبعدی و شامل وجوه متمایز تأثیری، ادراکی و انگیزشی در نظر گرفته شده است (Yang, 2014 As Cited in Kunzmann, 2019).

در جمع‌بندی‌ای کلی، مقایسه مدل‌های علمی خرد نشان می‌دهد در پارادایم برلین، خرد عبارت از تخصص‌داشتن در مسائل مهم زندگی دانسته و بر بعد شناختی و فکری آن تأکید شده است و خردمند یعنی کسی که قادر به حل‌کردن مشکلات باشد. در این پارادایم، خصوصیت مردم‌آمیزی و نوع‌دوستی خردمندان نادیده گرفته شده و آردلت با اضافه‌کردن بُعد عاطفی کوشیده است این نقص را برطرف کند. در مدل سه‌بعدی آردلت، حس شفقت و همدردی با دیگران نیز وجود دارد. استرنبرگ در مدل خود، هدف را نیز قرار داده و از نظر او این هدف، خیر و صلاح عمومی است. یانگ کوشیده است خیر عمومی را گسترش دهد. آنچه مدل پنج‌عاملی وبستر را متمایز می‌کند، نگاه کل‌نگرانه آن است. در این مدل، هریک از عوامل سبب می‌شوند فرد بتواند در مسائلی خاص، مهارت نشان دهد؛ اما خرد زمانی بروز می‌یابد که هر پنج عامل به‌عنوان یک کل حضور داشته باشند. در مدل‌های یادشده، رشد خرد، چندان موردتوجه نبوده است و در مجموع می‌توان گفت هریک از مدل‌های علمی به برخی جنبه‌های خرد توجه کرده‌اند. به هر حال، به دلیل دشواری مطالعه خرد و ماهیت چندبعدی آن، رسیدن به یک مدل موردپذیرش همگان، چندان آسان نیست. علاوه بر منابع روان‌شناختی، در متون دینی هم به مفهوم «خرد» توجه شده است. در روایات معتبر شیعی، خرد با استفاده از واژه «عقل» به‌عنوان حجت درونی انسان و معیار تشخیص‌دادن حق از باطل شناخته شده است (کلینی، ۱۴۰۷ق). طبق این آموزه‌ها عقل، مایه انسانیت انسان است و بنابراین برای حرکت در مسیر تعالی و رشد معنوی و روحی، و ارتقادادن سلامت انسانی، تبیین مفهوم عقل ضرورت دارد. تعالیم دینی به‌عنوان رابط بین انسان و خالق او جایگاهی مهم در انسان‌شناسی دارند. تعریف خالق از مخلوقش براساس علم و احاطه است و بنابراین، برای تعریف عقل و شناسایی ویژگی‌های عاقل باید به

مکتب وحی مراجعه کرد. این مکتب به قداست عقل و حجیت ذاتی‌اش اذعان دارد و آن را به‌عنوان حجت باطنی معرفی می‌کند: «إِنَّ لِلَّهِ عَلَى النَّاسِ حُجَّتَيْنِ حُجَّةَ ظَاهِرَةً وَ حُجَّةَ بَاطِنَةً فَأَمَّا الظَّاهِرَةُ فَالرُّسُلُ وَ الْأَنْبِيَاءُ وَ الْأَنْبِيَاءُ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ وَ أَمَّا الْبَاطِنَةُ فَالْعُقُولُ» (کلینی، ۱۴۰۷ق)؛ یعنی: «ازجانب خداوند بر مردمان، دو حجت است: حجت بیرونی و حجت درونی. حجت بیرونی همانا پیامبران و امامان هستند و حجت درونی، عقل و خرد آدمیان». قرآن نیز سهمی بزرگ برای عقل در اصول شریعت و شناخت تکلیف قائل شده و بی‌اعتنایان به عقل را نکوهیده است. اشارات مکرر قرآن کریم به عقل، صرفاً به یکی از سطوح این مقوله که روان‌شناسان و متخصصان علوم جدید بدان دست یافته‌اند، منحصر نیست؛ بلکه تمام وظایف عقل با توجه به عملکردها و ویژگی‌های مختلف آن خطاب شده است. درواقع، عقل تربیت‌شده در نظام و حیانی، دارای عالی‌ترین سطوح و بالاترین عقلانیت‌های متصور است؛ زیرا همراهی و تعاضد دو حجت باطنی و ظاهری‌اند (دیالمه، ۱۳۹۲). عقل یک حقیقت وجدانی است؛ از این روی، هرگونه تعریفی از آن باید در وجدان عقلا ریشه داشته باشد؛ به‌گونه‌ای که هر عاقلی فطرتاً آن را تأیید و تصدیق کند؛ بنابراین، استناد به کتاب‌های لغت در این زمینه بدین منظور صورت می‌گیرد که نشان دهیم حقیقت وجدانی در زبان عربی، چه نامیده می‌شود و وجه تسمیه آن چیست؛ همچنین شواهد نقلی و روایی در بحث شناسایی گوهر عقل، همگی جنبه تذکری و تنبیهی دارند؛ یعنی عقلا از این طریق به ویژگی‌های عقل و عاقل متذکر می‌شوند و تنبه وجدانی می‌یابند. با این مقدمه، اگر معنای لغوی عقل را در کتاب‌های لغت جست‌وجو کنیم، به یک معنای وجدانی روشن می‌رسیم که تعبیر مختلف، همگی حاکی از آن هستند (بنی‌هاشمی، ۱۳۹۸). در *القاموس العصری*، «عَقْلٌ» به‌معنای «رَبَطٌ» دانسته شده و بنابراین، «عَقْلٌ» نیز همچون «رَبَطٌ» به‌معنای بستن است. وقتی کسی شتری را می‌بندد، در زبان عربی گفته می‌شود: «عَقَلَ الْبَعِيرَ» (آنطوان، ۱۳۷۶). در *اقرب الموارد*، «عقال» وسیله بستن معرفی شده (شرتونی، ۱۴۰۳ق، ص. ۱۸۲) و در نتیجه، عقل، نوعی حبس کردن و محدود کردن است. در *معجم مقاییس اللغه* درباره

عقل آمده است: «الْعَقْلُ: الْحَابِسُ عَنِ دَمِيمِ الْقَوْلِ وَ الْفِعْلِ» (ابن فارس، ۱۴۰۴ق، ص. ۹۵)؛ یعنی: «عقل، مانع از گفتار و کردار ناپسند است». ابن منظور نیز در *لسان العرب* نوشته است: «الْعَقْلُ: الْحَجْرُ وَ النَّهْيُ، ضِدُّ الْحُمُقِ» (ابن منظور، ۱۴۱۴ق). «حجر» یعنی حرمت و محدودیت؛ به همین سبب، کسی را که ممنوع‌التصرف است، اصطلاحاً محجور می‌نامند. «نهی» نیز از نهی به معنی بازداشتن مشتق شده است. علاوه بر آنچه گفتیم، «حمق» و «حماقت» نیز در مقابل «عقل» جای دارد. در *لسان العرب*، در ادامه آمده است: «الْعَاقِلُ الَّذِي يَحْبِسُ نَفْسَهُ وَ يَرُدُّهَا عَنِ هَوَاهَا»؛ یعنی: «عاقل کسی است که نفس خود را حبس می‌کند و آن را از آنچه میل دارد، بازمی‌دارد». «أَخَذَ مِنْ قَوْلِهِمْ قَدْ اعْتَقَلَ لِسَانَهُ إِذَا حُبِسَ وَ مُنِعَ الْكَلَامَ». این تعبیر (عاقل)، از گفتار عرب گرفته شده است که وقتی زبان کسی محبوس و از سخن گفتن بازداشته شود، می‌گویند: «قَدْ اعْتَقَلَ لِسَانَهُ»؛ سپس درباره وجه تسمیه عقل آمده است: «سُمِّيَ الْعَقْلُ عَقْلاً، لِأَنَّهُ يَعْقِلُ صَاحِبُهُ عَنِ التَّوَرُّطِ فِي الْمَهَالِكِ أَيْ يَحْبِسُهُ»؛ یعنی: «عقل را عقل نامیده‌اند؛ زیرا دارنده خود را از فروغلتیدن به مهلکه‌ها بازمی‌دارد». در روایت نیز این معنا از عقل بیان شده است. حضرت فرموده‌اند: «إِنَّ الْعَقْلَ عَقَالٌ مِنَ الْجَهْلِ وَ النَّفْسُ مِثْلُ أَحْبَثِ الدَّوَابِّ فَإِنَّ لَمْ تُعَقَّلْ حَارَتْ» (ابن شعبه حرانی، ۱۴۰۴ق)؛ یعنی: «همانا عقل، پای‌بستی از نادانی است و نفس [انسان] مانند شرورترین جنبنده‌هاست؛ زیرا اگر بسته نشود، سرگردان می‌شود».

قرطبی نقل کرده است: «الْعَقْلُ هُوَ الْعِلْمُ» (قرطبی، ۱۴۰۷ق). در کتاب *معجم الفروق اللغویة* که تفاوت‌های میان معانی کلمات قریب‌المعنی را بیان می‌کند، درباره علم و عقل آمده است: «الْفَرْقُ بَيْنَ الْعِلْمِ وَ الْعَقْلِ أَنَّ الْعَقْلَ هُوَ الْعِلْمُ الْأَوَّلُ الَّذِي يَرْجُرُ عَنِ الْقَبَائِحِ. وَ كُلُّ مَنْ كَانَ زَاجِرُهُ أَقْوَى، كَانَ أَعْقَلَ» (عسکری، ۱۴۰۰ق، ص. ۲۱۶). در اینجا عقل، نوعی علم است: «الْعَقْلُ هُوَ الْعِلْمُ»؛ یعنی اساساً عقل و علم از یک سنخ و هردو از مقوله فهم و درک هستند و این حقیقت، مسئله‌ای وجدانی است؛ اما دو مسئله عقل را از علم متمایز می‌کنند: نخست، آنکه عقل، علم اول است و دوم، آنکه انسان را از بدی‌ها بازمی‌دارد. بهترین معنا برای اول بودن این علم خاص (عقل)، آن است که بگوییم عقل اکتسابی نیست. ادراک‌های

عقلی، مبتنی بر تعلیم و تعلم نیستند؛ بلکه فهم خوبی و بدی عقلی بدون هیچ‌گونه تعلیم، از ابتدای بلوغ در انسان حاصل می‌شود. تا وقتی کودک علم به حُسن و قبح افعال ندارد، از عامل بازدارنده هم برخوردار نیست؛ اما به محض آنکه این علم پدید آمد، او را از ارتکاب قبايح منع می‌کند (بنی‌هاشمی، ۱۳۹۸). همین دانش غیرتعلیمی، درجه‌های مختلفی دارد و هرکس درجه بالاتری از آن را داشته باشد، عاقل‌تر خواهد بود: «كُلُّ مَنْ كَانَ زَاجِرُهُ أَقْوَى، كَانَ أَعْقَلَ». در قاموس نیز عقل، نور روحانی‌ای معرفی شده است که نفس به وسیله آن، علوم ضروری و نظری را درک می‌کند. در لغت، هر مقوله لطیف و غیرکثیف، روحانی قلمداد می‌شود (ابن‌منظور، ۱۴۱۴ق) و صریحاً تعبیر «نور» برای توضیح دادن معنای لغوی عقل آمده است. طبق این اقوال، عقل، علم و نوری بازدارنده از کارهای زشت است. اگر کسی یک عمل زشت را به‌گونه‌ای مرتکب شود که هنگام انجام دادن آن، قبح عمل را نبیند، آن کار، احمقانه قلمداد می‌شود و اگر پس از انجام دادن کار، عیبی در آن نبیند، عقلاً او را احمق می‌دانند. چون حقیقت عقل برای عقلاً روشن و شناخته‌شده است، مباحث صرفاً جنبه تذکر می‌یابد و به دیگر سخن، لازم نیست به فرد عاقل گفته شود چه چیزی را عقل بدانند؛ زیرا او با حقیقت عقل زندگی می‌کند و آن را می‌شناسد. کافی است عاقل را به آنچه از عقل می‌شناسد، متذکر شویم و بدین منظور می‌توان به قاعده «تُعْرِفُ الْأَشْيَاءَ بِأَصْدَادِهَا» تمسک یافت. حال، فقدان عقل را می‌توان در طفولیت، شهوت و غضب شدید جست‌وجو کرد. اولین نکته وجدانی، آن است که کودک پیش از رسیدن به سن بلوغ عقلی، حُسن و قبح کارهایش را نمی‌فهمد و وقتی به بلوغ عقلی رسید، قلبش به نور عقل روشن می‌شود. پیامبر اکرم (ص) درباره این مسئله فرموده‌اند: «فَإِذَا بَلَغَ كُثِيفَ ذَلِكَ السِّنِّ فَيَقَعُ فِي قَلْبِهِ هَذَا الْإِنْسَانُ نُورٌ فَيَفْقَهُمُ الْفَرِيضَةَ وَالسُّنَّةَ وَالْحَجَّ وَالرَّيَّةَ أَلَا وَ مَثَلُ الْعَقْلِ فِي الْقَلْبِ كَمَثَلِ السِّرَاجِ فِي وَسْطِ الْبَيْتِ» (صدوق، ۱۳۸۵). دومین تذکر وجدانی در شناخت نور عقل، ازدست‌دادن آن حال غضب و شهوت شدید است. به‌طور کلی، وقتی واجد و گاه فاقد چیزی باشیم، با تفاوتی که در حال وجدان یا فقدان مشاهده می‌کنیم، آن حقیقت را به‌خوبی می‌شناسیم. امیرالمؤمنین (ع) فرموده‌اند: «الْعَقْلُ وَالشَّهْوَةُ ضِدَّانٌ» (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰ق). عقل و



شهوت، ضد همانند و مؤید عقل، علم است. «ذَهَابُ الْعَقْلِ بَيْنَ الْهَوَىٰ وَ الشَّهْوَةِ» (لثی واسطی، ۱۳۷۶). غضب و شهوت، دو حالت روحی‌اند که در انسان‌ها وجود دارند و اگر شدت یابند، به حجابی در برابر نور عقل تبدیل می‌شوند. تا وقتی عصبانیت شدید نشده است، انسان خوب و بد را تشخیص می‌دهد؛ اما هنگام بروز عصبانیت شدید، «تمیز»، «ظهور» یا «کشف» حسن و قبح را ازدست خواهد داد.

براساس پژوهش‌های صورت‌گرفته، هرچند در دیدگاه روایی به موضوع خرد و خردمندی، بسیار اهمیت داده شده و ویژگی‌های متعدد انسان خردمند ذکر شده، تاکنون در این زمینه، تحقیقی کیفی درباره ویژگی‌های انسان خردمند و مقایسه آن با دستاوردهای روان‌شناسی صورت نگرفته است؛ از این روی، در پژوهش حاضر، درصدد پرکردن این خلأ هستیم. سؤال اصلی تحقیق، آن است که براساس آموزه‌های اسلامی، انسان خردمند چه ویژگی‌هایی دارد، این ویژگی‌ها از دیدگاه روان‌شناسان، کدام‌اند و درنهایت، بین این دو دیدگاه درخصوص معیارشناسی خرد، چه ارتباطی وجود دارد.

### روش پژوهش

در پژوهش حاضر، از روش کیفی به شیوه استقرایی - قیاسی با پارادایم تفسیری و رویکرد تحلیل متن عرفی یا قراردادی استفاده کرده‌ایم. ثبات کدگذاری و روایی نتایج و استنباط‌های محقق با استفاده از روش‌هایی مانند مقایسه مداوم و جست‌وجوی نظر متخصصان درباره تناسب مقوله‌های به‌دست‌آمده با داده‌های متنی، منطقی‌بودن ترکیب مقوله‌های به‌دست‌آمده و تبیین منطقی گزاره‌های استخراج‌شده از مقوله‌های ترکیبی حاصل شده است. نمونه‌های مورداستفاده در پژوهش به‌صورت هدفمند انتخاب شده‌اند و تعداد آن‌ها تا رسیدن به حد اشباع در نظر گرفته شده است. بدین منظور، در بخش آموزه‌های دینی، کل روایات متضمن معنای عقل (عقل، حلم، لبّ) و عاقل (عاقل و اولوالباب) و نیز معنای ضد آن‌ها (جاهل، احمق، سفیه و مجنون) را با استفاده از نرم‌افزارهای نور، از کل

جامعه آماری استخراج کرده‌ایم. مجموع روایات، ۲۶۰۷ مورد بود و با حذف موارد تکراری به ۶۹۳ روایت رسید. برای درک صحیح مراد روایات، به کتاب‌های لغت متقدم و معتبر مانند العین از خلیل بن احمد فراهیدی، معجم مقاییس اللغه از ابن فارس و لسان العرب از ابن منظور (م. ۷۱۱ق.) مراجعه و در موارد غامض نیز برای کشف مراد، از کتب شرح مانند مرآة العقول فی شرح اخبار آل الرسول علیهم السلام از علامه مجلسی (م. ۱۱۱۱ق.)، بیانات ایشان در بحار الأنوار و نیز شرح کافی از مولی صالح مازندرانی (م. ۱۰۸۱ق.) استفاده کردیم.

برای استخراج و تبیین دیدگاه متخصصان درحوزه روان‌شناسی، به متن‌های تخصصی تألیف‌شده از سال ۱۹۹۰ تا ۲۰۲۰ مراجعه، مطالب موردنیاز را به صورت هدفمند انتخاب و بررسی، و نظرهای ۲۵ اندیشمند این حوزه را استخراج کردیم. در مرحله بعد، به منظور بررسی صحت مطالب به دست‌آمده از متن‌های تخصصی درحوزه خرد از دیدگاه متخصصان، یافته‌ها را به هفت متخصص حوزه معارف و روان‌شناسی ارائه کردیم و آنان این یافته‌ها را تأیید کردند. بدین ترتیب، مثلث‌سازی پژوهش صورت گرفت و سپس کل موارد در نرم‌افزار MAXQDA وارد و کدگذاری شد. برای بررسی دقت کدگذاری، از روش پایایی کدگذاران استفاده کردیم و با ضریب توافق ۹۲ درصد، کدگذاری را انجام دادیم.

جامعه آماری مورد استفاده برای بررسی معیار خردمندی در روایات، کتب اربعه حدیثی شیعه و بحار الأنوار بوده است؛ همچنین جامعه آماری مورد استفاده برای بررسی دستاوردهای روان‌شناسان در زمینه معیارشناسی خردمندی، شامل کتاب‌ها و متن‌های تخصصی روان‌شناسان به زبان‌های فارسی و انگلیسی در بازه زمانی سی‌ساله (از سال ۱۹۹۰ تا سال ۲۰۲۰) بوده که از کتاب‌های معتبر و پایگاه‌های اطلاع‌رسانی Irandoc، Elsevier، Civilica، Scopus، Magiran، Noormags و Eric استخراج شده است.

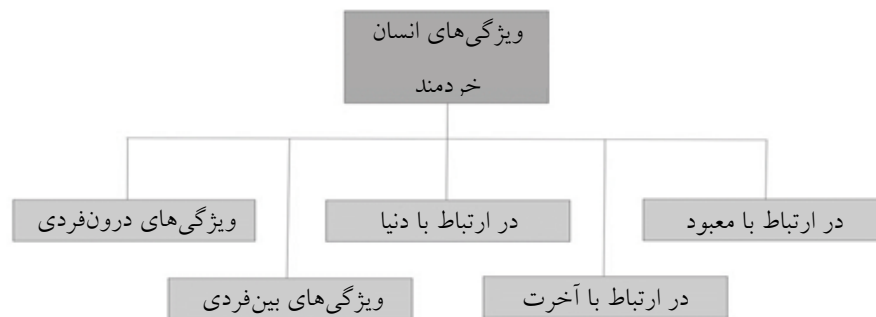
### یافته‌های پژوهش

در این پژوهش، نمونه‌هایی از روایات مرتبط با مفهوم خرد استخراج و کدگذاری شده‌اند. جامعه آماری ازدیدگاه روان‌شناسان موردنظر در این تحقیق کدگذاری شده و این کدها در جدول ۳ آمده است.

جدول ۱. کد مآخذ

| کد | نام کتاب           | کد | نام کتاب                     |
|----|--------------------|----|------------------------------|
| ۱۶ | الكافی             | ۰۱ | اختصاص                       |
| ۱۷ | نزهة الناظر        | ۰۲ | اعلام الدین                  |
| ۱۸ | كشف الغمة          | ۰۳ | امالی شیخ طوسی               |
| ۱۹ | كشف المهجة         | ۰۴ | امالی شیخ صدوق               |
| ۲۰ | كشف اليقين         | ۰۵ | تحف العقول                   |
| ۲۱ | كنز الفوائد        | ۰۶ | توحيد مفضل                   |
| ۲۲ | أمالی مفید         | ۰۷ | جامع الاخبار                 |
| ۲۳ | المحاسن            | ۰۸ | منیة المرید                  |
| ۲۴ | التوحيد            | ۰۹ | خصال                         |
| ۲۵ | مكارم الاخلاق      | ۱۰ | الدرة الباهرة                |
| ۲۶ | من لا يحضره الفقيه | ۱۱ | روضه الواعظین                |
| ۲۷ | نهج البلاغه        | ۱۲ | علل الشرايع                  |
| ۲۸ | النوادر راوندی     | ۱۳ | عیون أخبار الرضا علیه السلام |

در این پژوهش، کدهای اساسی‌ای را که تعیین‌کننده ویژگی‌های انسان خردمند در متن روایات هستند، در فرایند کدگذاری باز دسته‌بندی کرده و سپس در کدگذاری محوری در قالب کدهای نظری مدّ نظر قرار داده‌ایم. بر مبنای دسته‌بندی کدهای نظری، در کدگذاری اساسی، پنج بُعد اصلی بدین شرح را می‌توان مشاهده کرد: ویژگی‌های بین‌فردی، ویژگی‌های درون‌فردی، ویژگی‌های در ارتباط با دنیا، ویژگی‌های در ارتباط با آخرت و ویژگی‌های در ارتباط با معبود.



#### نمودار ۱. ویژگی‌های انسان خردمند از دیدگاه روایات معصومان

در جدول ۲ ارتباط بین کدهای هسته‌ای، نظری و اساسی به دست آمده برای تبیین ویژگی‌های انسان خردمند همراه با کد مآخذ مربوط آمده است.

#### جدول ۲. ویژگی‌های انسان خردمند در احادیث اهل بیت (ع)

| ردیف | کد                  | هسته‌ای | کد نظری      | کد اساسی   | کد مآخذ   |
|------|---------------------|---------|--------------|--|---|
| ۱    | ویژگی‌های درون-فردی | فردی    | حق پذیر بودن | حق پذیر بودن، قابل هدایت بودن، جانب‌داری نکردن از باطل، معتقد بودن به آموخته‌های صحیح، انکار نکردن آنچه نمی‌داند، مداومت بر خیر داشتن، پندپذیر بودن، به حق شک نکردن، به فکر جبران اشتباه خود بودن، اطاعت کردن از نصیحت | ۱، ۲، ۵، ۶، ۹، ۱۱، ۱۲، ۱۳، ۱۴، ۱۵، ۱۷، ۱۹، ۲۱، ۲۵، ۲۷ |

| خیرخواهانه، به دنبال علم بودن |                           |   |
|-------------------------------|---------------------------|---|
| ۲                             | کنترل احساس               | غصه‌ها را تحمل کردن، غصه‌ها را جرعه‌جرعه فروبردن، نداشتن گفتار و رفتار زشت هنگام بروز سختی‌ها، شاداب بودن در عین استواری، نرم‌دل بودن   |
| ۳                             | خودنگه‌دار بودن           | صبر بر تنهایی داشتن، اخلاص داشتن، پا را از گلیم خود درازتر نکردن، از بدی‌ها پرهیز کردن، در پی اصلاح خود بودن  |
| ۴                             | سنجیده عمل کردن           | عمل نیکو داشتن، قول دادن در حد توانایی، از یک سوراخ دو بار گزیده نشدن، فریب مسائل بیهوده را نخوردن، دوران‌دیش بودن، برای حل مشکلات به دنبال فرصت بودن، به سلامتی اهمیت دادن، تشخیص دادن بد از بدتر، با پافشاری بر هدف به آن نزدیک شدن |
| ۵                             | اصلاح کردن خود            | برطرف کردن عیوب خود از طریق به‌خاطر سپردن و نوشتن آن‌ها، اقدام نکردن به کاری که احتمال موفقیت در آن وجود ندارد، اهل رشد بودن، هر کاری را درست و به‌جا و به‌اندازه انجام دادن، نفس خود را تمرین دادن                                   |
| ۶                             | کرامت نفس داشتن           | خوشبخت بودن، حسد نوزیدن، باحیاب بودن، رازدار بودن، قانع بودن، در عین تنگ‌دستی توانگر بودن، رضایت داشتن، اندیشمند بودن   |
| ۷                             | از وقت، درست استفاده کردن | وقت خود را تقسیم کردن، قسمتی از وقت را برای عبادت صرف کردن، قسمتی از وقت را برای محاسبه نفس صرف کردن، قسمتی از وقت را برای لذت حلال صرف کردن  |
| ۱                             | متواضع بودن               | خوار و خفیف نکردن دیگران، برتر دانستن دیگران از خود، سرزنش نکردن، شاکر بودن هنگام برخورداری از نعمت‌ها، قضاوت نکردن در صورت بی‌اطلاعی   |

ویژگی‌های بین-فردی

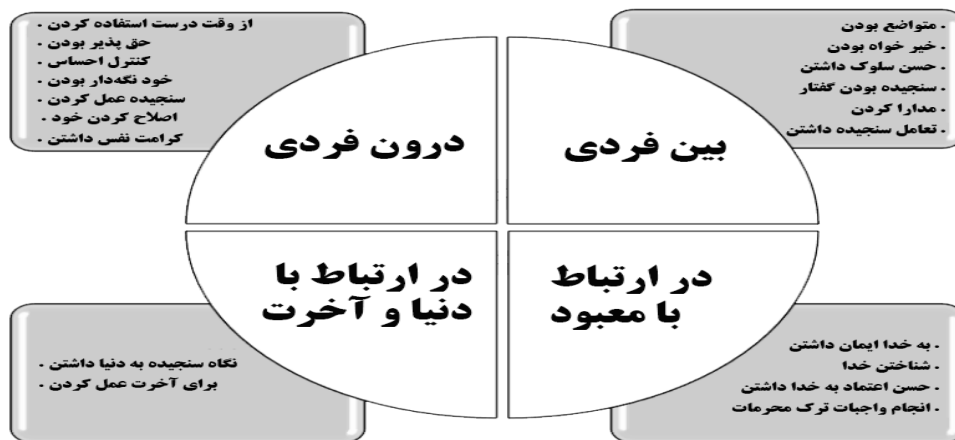
|   |                           |  |  |
|---|---------------------------|--|--|
| ۲ | خیرخواه بودن              | امانت‌دار بودن، سبقت‌گرفتن در انجام‌دادن کار خیر، پسندیدن آنچه برای خود می‌پسندد برای دیگران، خیانت‌نکردن، مردم‌آزار نبودن                         | ۳، ۵، ۹، ۱۱، ۱۲، ۱۵، ۲۹                  |
| ۳ | حُسن سلوک داشتن           | ادب‌داشتن، یکی‌بودن ظاهر و باطن، خوش‌رو بودن، به دیگران کمک مالی کردن، سخاوتمند بودن در عین تنگ‌دستی   | ۴، ۵، ۹، ۱۰، ۱۲، ۱۳، ۱۵                  |
| ۴ | سنجیده‌بودن گفتار         | راست‌گویی، سخن‌نگفتن فرد با کسی که او را تکذیب می‌کند، خوش‌گفتار بودن، فکر کردن قبل از حرف‌زدن، پاسخ‌گویی در صورت وجود داشتن سؤال، نگاه‌داشتن زبان | ۱، ۵، ۹، ۱۲، ۱۸، ۲۱، ۳۰                  |
| ۵ | مداراکردن                 | رفتار کردن با حلم هنگام بروز لغزش از سوی دیگران، مدارا داشتن، رفتار سرسختانه نداشتن با دیگران، مهربان بودن، دل‌رحم بودن، به والدین نیکی کردن       | ۱، ۴، ۵، ۹، ۱۱، ۱۲، ۱۳، ۱۸، ۱۹، ۲۱، ۲۲   |
| ۶ | تعامل سنجیده داشتن        | استفاده‌کردن از تجربیات، دوری‌کردن از دوستان بد، چیزی نخواستن از کسی که مضایقه می‌کند، دوستی‌کردن با مردم، هم‌صحبت‌بودن با عقلا                    | ۵، ۹، ۱۱، ۱۲، ۱۴، ۲۱، ۲۳، ۲۶، ۲۷، ۲۹، ۳۰ |
| ۱ | نگرش سنجیده به دنیا داشتن | از دنیا طلبی دوری‌کردن، از مرگ پندگرفتن  | ۵، ۹، ۱۲، ۱۴، ۲۱                         |
| ۲ | برای آخرت کار کردن        | به آخرت رغبت‌داشتن، برای آخرت عمل کردن   | ۵، ۹، ۱۲، ۲۱، ۲۴، ۳۰                     |

ویرگی‌های در ارتباط با دنیا و آخرت

|   |                                 |  |                                |
|---|---------------------------------|--|--------------------------------|
| ۱ | به خدا ایمان داشتن              | انتخاب کردن دین براساس شناخت، دین داشتن، از خدا ترسیدن، در تنهایی با خدا انس گرفتن، دعاکردن                              | ۵، ۹، ۱۲، ۱۵، ۲۷               |
| ۲ | شناختن خدا                      | شناختن خدا، نزدیک بودن به خدا، تکذیب کردن دروغ بر خدا، معرفت داشتن به خداوند، در بلندی سلطنت خدا حیران بودن              | ۴، ۵، ۸، ۹، ۱۱، ۱۲، ۲۰، ۲۷، ۳۰ |
| ۳ | حُسن اعتماد به خدا              | حُسن اعتماد داشتن به خدا، توکل به خدا داشتن، هنگام بروز مشکلات به خدا پناه بردن، ترجیح دادن ذلت با خدا بر عزت با غیر خدا | ۵، ۹، ۲۷                       |
| ۴ | انجام دادن واجبات و ترک محرّمات | به اوامر خدا عمل کردن، واجبات را از خدا گرفتن، واجب دانستن آنچه خدا واجب کرده است  | ۵، ۹، ۱۱، ۱۲، ۲۷، ۳۰           |

ویژگی‌های در ارتباط با خدا

در نمودار ۲، تبیین ویژگی‌های انسان خردمند در آیات و روایات آمده است.



نمودار ۲. ویژگی‌های انسان خردمند در روایات اهل بیت (ع)

همان‌گونه که در نمودار می‌بینیم، ویژگی‌های انسان خردمند، شامل چهار دسته درون‌فردی، بین‌فردی، در ارتباط با معبود، و در ارتباط با دنیا و آخرت مشخص شده است. در ادامه، این ویژگی‌ها را شرح می‌دهیم.

الف) ویژگی‌های درون‌فردی: آنچه از کلام معصومان (ع) به دست آمده است، نشان می‌دهد انسان خردمند مجموعه‌ای از ویژگی‌های رفتاری دارد که می‌توان آن‌ها را ویژگی‌های درون‌فردی نامید. این ویژگی‌ها به هفت زیرمؤلفه اصلی تقسیم می‌شوند: اولین مؤلفه در انسان خردمند، پذیرش حق (حق‌پذیربودن) است؛ دومین مؤلفه، کنترل احساس هنگام رویارویی با غصه و غضب؛ سومین مؤلفه، خودنگهداربودن در مقابل هیجان‌ها و اتفاق‌های پیش‌آمده در زندگی؛ چهارمین مؤلفه، سنجیده عمل‌کردن؛ پنجمین مؤلفه، آنکه انسان خردمند همواره در حال اصلاح‌کردن رفتار خود است؛ ششمین مؤلفه به این نکته اشاره می‌کند که انسان خردمند کرامت نفس خود را حفظ می‌کند؛ آخرین مؤلفه نشان می‌دهد انسان خردمند در استفاده درست از زمان، دقیق و صحیح عمل می‌کند.

ب) ویژگی بین‌فردی: یافته‌ها نشان می‌دهد انسان خردمند در ارتباط با دیگران، متواضع رفتار می‌کند، خیرخواه دیگران است، حُسن رفتار دارد، سنجیده سخن می‌گوید، با مردم مدارا می‌کند و با دیگران تعاملی سنجیده دارد. عملکرد سنجیده را در رفتارهایی همچون زیر دین دیگران نرفتن، دوری‌کردن از دوستان بد و همکاری‌کردن در انجام‌دادن کارهای درست می‌توان دید.

ج) ویژگی در ارتباط با دنیا و آخرت: این ویژگی انسان خردمند در روایات با دو زیرمؤلفه مشخص شده است: نخست، نگاه سنجیده داشتن به دنیا که در این صورت، خردمند به دنیا رغبتی ندارد، به زندگی دنیا دلخوش نیست و به وسیله حوادث دنیا غفلت‌ها را از خود دور می‌کند. در دومین مؤلفه، این ویژگی مشخص شده است که انسان خردمند اعمال خود را برای دستیابی به مقاصد دنیوی انجام نمی‌دهد و در تمام اعمالش همواره خود را برای آخرت آماده می‌کند.



د) ویژگی‌های در ارتباط با خدا: دز کلام معصومان (ع)، انسان خردمند به خدا ایمان دارد، در مسیر معرفت حق گام برمی‌دارد، به خدا حُسن اعتماد دارد و به انجام‌دادن واجبات و ترک محرّمات در اعمال روزمره‌اش توجه می‌کند.

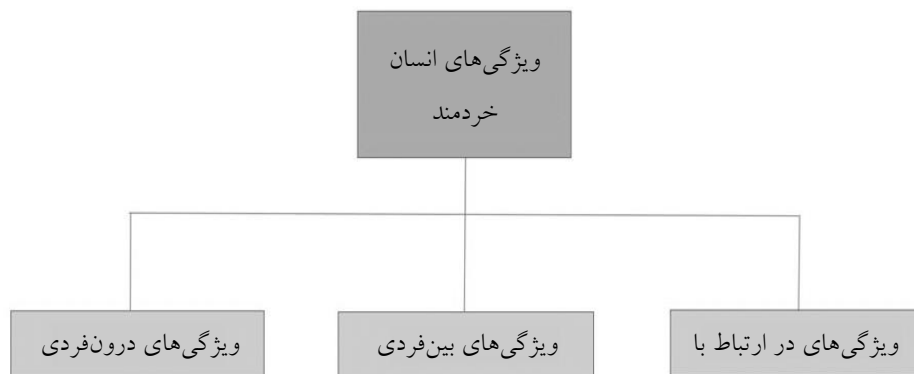
یافته‌های پژوهش، ویژگی‌های انسان خردمند از نگاه روان‌شناسان را نشان می‌دهد و نمونه‌هایی از نظرهای روان‌شناسان استخراج و کدگذاری شده که با مفهوم خرد، مرتبط است. جامعه آماری از منظر روان‌شناسان که در تحقیق از آن استفاده شده، کدگذاری و کدها در جدول ۳ به‌دست داده شده است.

**جدول ۳. کد مآخذ ویژگی‌های انسان خردمند در دستاوردهای روان‌شناسی**

| نام اندیشمند | سال  | کد | نام اندیشمند | سال  | کد |
|--------------|------|----|--------------|------|----|
| آبری         | ۱۹۹۵ | ۰۱ | پیازه        | ۱۹۶۸ | ۱۳ |
| اتکینسون     | ۱۹۸۵ | ۰۲ | جفری وبستر   | ۲۰۰۳ | ۱۴ |
| آردلت        | ۲۰۱۱ | ۰۳ | سیمون        | ۱۹۱۱ | ۱۵ |
| استاودینگر   | ۲۰۰۰ | ۰۴ | شیینگ یانگ   | ۲۰۱۱ | ۱۶ |
| استرنبرگ     | ۲۰۰۴ | ۰۵ | کلیتون       | ۱۹۸۰ | ۱۷ |
| زاگر         | ۲۰۱۸ | ۰۶ | کهن          | ۱۹۹۵ | ۱۸ |
| اکاف         | ۱۹۴۷ | ۰۷ | گری گراث     | ۲۰۱۴ | ۱۹ |
| بالتز        | ۲۰۰۳ | ۰۸ | مارنات       | ۲۰۱۴ | ۲۰ |
| برلاینر      | ۱۹۹۲ | ۰۹ | مک ایتنایر   | ۱۹۵۹ | ۲۱ |
| بیرلی        | ۲۰۰۴ | ۱۰ | نوناکا       | ۱۹۹۵ | ۲۲ |
| برن          | ۱۹۸۰ | ۱۱ | نیت گیج      | ۱۹۱۷ | ۲۳ |

|    |      |        |    |      |      |
|----|------|--------|----|------|------|
| ۲۴ | ۱۹۹۶ | هیگارد | ۱۲ | ۱۹۰۸ | بینه |
|----|------|--------|----|------|------|

در نمودار ۳، یافته‌های به دست آمده از نتایج دستاوردهای تجربی با استفاده از متن‌های تخصصی در حوزه روان‌شناسی درباره ویژگی‌های انسان خردمند را دسته‌بندی کرده‌ایم.



نمودار ۳. ویژگی‌های انسان خردمند در دستاوردهای روان‌شناسان

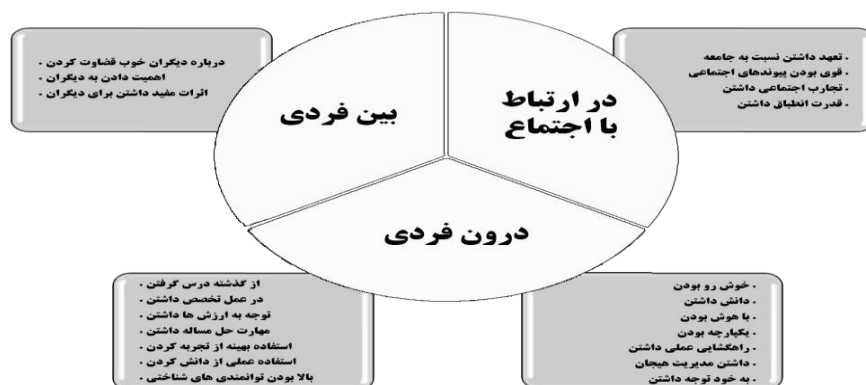
جدول ۴. ویژگی‌های انسان خردمند در دستاوردهای روان‌شناسان

| کد مآخذ | کد اساسی   | کد نظری                       | کد هسته‌ای         | ردیف |
|---------|--|-------------------------------|--------------------|------|
| ۱، ۳، ۹ | خوب قضاوت کردن، در نظر گرفتن نظرهای دیگران، در نظر گرفتن منافع دیگران، به بقیه آرامش دادن، تقویت پیوندهای اجتماعی، | درباره دیگران، خوب قضاوت کردن | ویژگی‌های بین فردی | ۱    |
| ۱۲، ۱۴  | اثرهای مفید برای دیگران داشتن، از جامعه مراقبت کردن، برخورداری از مهارت اجتماعی                                    | اهمیت دادن به دیگران          |                    | ۲    |
| ۱۸، ۲۳  | به میزانی چشمگیر، به جامعه تعهد اخلاقی داشتن   | اثرهای مفید داشتن برای دیگران |                    | ۳    |

| ردیف | کد هسته‌ای          | کد نظری   | کد اساسی  | کد مآخذ   |
|------|---------------------|---|---|-----------|
| ۴    | ویژگی‌های درون‌فردی | از گذشته درس گرفتن                                | مقابله سازنده با مشکلات، شناختن هیجان‌ها، پذیرش هیجان‌ها، به‌کار بستن هیجان‌ها،                                     |           |
| ۵    |                     | در عمل، تخصص داشتن                                | گشودگی داشتن، در نظر گرفتن احتمال‌ها،   |           |
| ۶    |                     | توجه کردن به ارزش‌ها                              | در نظر گرفتن روش‌های جدید برای حل کردن مسائل، شوخ‌طبعی داشتن، آرامش دادن به خود،                                    |           |
| ۷    |                     | به خود توجه کردن                                  | یکپارچگی شناختی داشتن، بررسی نتایج عمل، اثرهای مفید برای خود داشتن،   | ۵، ۴، ۳   |
| ۸    |                     | برخورداری از توانمندی‌های شناختی به‌میزانی چشمگیر | وظایف، توانایی پاسخ‌دادن به سؤال‌های دشوار، در نظر گرفتن کدهای اخلاقی و معنوی                                       | ۸، ۷، ۶   |
| ۹    |                     | دانش داشتن  | در حل مسائل، حل کردن مسائل سخت، استفاده بهینه از دانش، براساس دانش  | ۱۱، ۱۰، ۹ |
| ۱۰   |                     | راهگشایی عملی داشتن                               | عمل کردن، معنادار کردن داده‌ها براساس ارزش‌ها، توانایی داشتن برای حل مسائل،   | ۱۳، ۱۲    |
| ۱۱   |                     | خوش‌رو بودن                                       | شناختن خود، به هویت شکل دادن، دانش عمیق داشتن، بازبینی کردن خاطرات، به خیر همگانی دست یافتن، توانایی استدلال داشتن، | ۲۰، ۱۹    |
| ۱۲   |                     | مهارت حل مسئله داشتن                              | آگاهی داشتن از مسائل بنیادین، تنظیم هیجانی داشتن، سازگاری با محیط، برخورداری از مهارت هیجانی به‌میزانی چشمگیر، خوب  | ۲۲، ۲۱    |
| ۱۳   |                     | از دانش به‌صورت عملی استفاده کردن                 | درک کردن، شعور عملی داشتن، توانایی داشتن برای حل مسائل، بازنگری کردن، خوب   | ۲۳        |
| ۱۴   |                     | باهوش بودن  | استدلال کردن، تفکر، برخورداری از دانش، به‌کارگیری هوش و تجربه در راستای ارزش‌ها،                                    |           |

| رديف | کد هسته‌ای                  | کد نظری                   | کد اساسی   | کد مآخذ   |
|------|-----------------------------|---------------------------|--|-----------|
| ۱۵   |                             | استفاده بهینه از تجربه    | بینش داشتن، در نظر گرفتن منافع خود،<br>باهوش بودن، توانایی یادگیری داشتن           |           |
| ۱۶   |                             | یکپارچه بودن              |  |           |
| ۱۷   |                             | داشتن مدیریت هیجان        |  |           |
| ۱۸   |                             | متعهد بودن به جامعه       | تعهد اخلاقی داشتن در قبال جامعه  |           |
| ۱۹   | ویژگی‌های در ارتباط با محیط | قوی بودن پیوندهای اجتماعی | تقویت پیوندهای اجتماعی، برخورداری از<br>مهارت اجتماعی به میزان چشمگیر، داشتن       | ۱۴، ۱۲، ۲ |
| ۲۰   |                             | تجربه‌های اجتماعی داشتن   | تجربه‌های مفید بحرانی، تجربه‌های مفید<br>اجتماعی داشتن، تعامل شایسته با موقعیت‌های | ۱۶، ۱۵    |
| ۲۱   |                             | قدرت انطباق داشتن         | زندگی، سازگاری با محیط، انطباق یافتن با<br>وضعیت‌های مختلف                         | ۲۴        |
|      |                             |                           |  |           |

در نمودار ۳، تبیین ویژگی‌های انسان خردمند در دستاوردهای روان‌شناسی آمده است.



نمودار ۳. ویژگی‌های انسان خردمند در دستاوردهای روان‌شناسی

یافته‌هایی که در بررسی‌های روان‌شناختی در نمودار ۳ می‌بینیم، نشان می‌دهند روان‌شناسان در بررسی‌های خود درباره‌ی انسان خردمند، سه دسته‌ی کلی را در نظر گرفته‌اند و از نگاه آنان، انسان خردمند کسی است که درباره‌ی دیگران، خوب قضاوت کند، به آن‌ها اهمیت بدهد و برایشان مفید باشد. در حوزه‌ی ویژگی‌های درون‌فردی برای انسان خردمند، چهارده زیرمؤلفه بدین شرح به دست آمد: از گذشته درس گرفتن، در عمل تخصص داشتن، توجه به ارزش‌ها، توجه به خود، برخورداری از توانمندی‌های شناختی به‌میزانی چشمگیر، داشتن دانش، داشتن راهگشای عملی، خوش‌رو بودن، توانایی حل مسئله، استفاده‌ی عملی از دانش، باهوش بودن، استفاده‌ی بهینه از تجربه، یکپارچه بودن و داشتن مدیریت هیجانی. در مطالعات روان‌شناسان علاوه بر ویژگی‌های فردی و بین‌فردی، ویژگی‌هایی برای انسان خردمند در ارتباط با محیط وجود دارد که عبارت‌اند از: تعهد داشتن به جامعه، برخورداری از پیوندهای اجتماعی قوی، تجربه‌های اجتماعی و داشتن قدرت انطباق.

### **بحث و نتیجه‌گیری**

هدف از پژوهش حاضر، استخراج ویژگی‌های انسان خردمند از دیدگاه پیامبر اکرم (ص) و اهل‌بیت (ع) از منابع حدیثی شیعه و مقایسه‌ی این ویژگی‌ها با یافته‌های روان‌شناختی بوده است. ویژگی‌های انسان خردمند در آموزه‌های وحیانی، چهار بُعد بین‌فردی، درون‌فردی، در ارتباط با دنیا و آخرت، و در ارتباط با معبود دارد و ویژگی‌های انسان خردمند از دیدگاه روان‌شناسان، دارای سه بُعد درون‌فردی، بین‌فردی و در ارتباط با اجتماع است.

توجه دیدگاه وحیانی به ارتباط با معبود، رویکرد خدامحوری و توجه به معبود را نشان می‌دهد. رویکرد خدامحوری بر همه‌ی شئون این رویکرد اثر می‌گذارد و توجه را از منافع دنیوی انسان به سمت رضایت پروردگار و سرانجام، منافع اخروی او برمی‌گرداند. در بُعد ارتباط با خدا کدهای نظری «شناختن خدا» و «متعال دانستن او» بُعد شناختی انسان خردمند در ارتباط با خدا را نشان می‌دهد و «به خدا ایمان داشتن»، «به او حسن اعتماد داشتن» و «از

خدا خوف‌داشتن»، ویژگی‌های عاطفی این انسان را به تصویر می‌کشد. درنهایت، این شناخت و نگرش به اعمال و رفتارهایی همچون «تسلیم‌بودن در برابر خدا» و «انجام‌دادن واجبات و ترک محرمات الهی» می‌انجامد. در این شناخت‌ها، نگرش‌ها و رفتارها برای خداوند متعال، حقوقی به تصویر کشیده شده است که وظایفی را برای انسان خردمند ارمغان می‌آورد. در واقع، نوعی تعبد و تسلیم در برابر پروردگار در آن نهفته است و نشان می‌دهد انسان خردمند بر مبنای این تعبد زندگی می‌کند. روشن است که این‌گونه تسلیم در مقابل خدا بسیاری از آزادی‌ها را محدود می‌کند و حاکمیت پروردگار، تعیین‌کنندهٔ حدود آن است؛ بدین ترتیب، صرفاً انسانیت و طبیعت خود انسان، حقوق و وظایف انسان خردمند را تعریف نمی‌کند و قواعد و قوانین الهی بر آن حاکم می‌شود. در منابع بررسی شده از دیدگاه روان‌شناختی، دربارهٔ ویژگی‌های انسان خردمند «در ارتباط با معبود»، گزاره‌ای ذکر نشده و گزاره‌های ارزشی این دیدگاه در ابعاد دیگر مانند بُعد درون‌فردی و بین‌فردی نمایان است.

ویژگی‌های انسان خردمند «در ارتباط با دنیا» با کدهایی نظری مانند «آگاه به زمانه بودن» و «نگاه سنجیده به دنیا داشتن» کدگذاری شده است و زیرکدهایی نظری مانند: «به زندگی دنیا دلخوش نبودن»، «به دنیا بی‌توجه بودن»، «به دنیا بی‌رغبت بودن»، «از دنیا دوری کردن» و «به حداقل دنیا اکتفا کردن» نشان می‌دهد انسان خردمند به خود دنیا توجهی ندارد و خوشی و راحتی خود را تنها در آن جست‌وجو نمی‌کند؛ بلکه دنیا را پلی برای رسیدن به آخرت می‌داند که محل عبور است؛ نه جای سکونت و باقی‌ماندن، و تنها وسیله‌ای است برای زندگی اخروی پربارتر؛ پس به آن دل خوش نمی‌کند. روشن است که این نوع نگرش به دنیا بر همهٔ شئون زندگی انسان خردمند اثر می‌گذارد.

توجه به بُعد «ارتباط با آخرت»، بیانگر آخرت‌محوری و اصالت توجه به معاد در دیدگاه روایتی است و نشان می‌دهد بازخورد کارهای انسان، تنها در دنیا نمودار نمی‌شود؛ بلکه برای قضاوت دربارهٔ نتایج اعمال و افکار او لازم است برآیند دنیا و آخرت سنجیده شود.

ورود بُعد اخروی به عرصه زندگی انسان خردمند، بسیاری از معادله‌های دنیوی را برهم می‌زند و محاسبه‌های ظاهری را دشوار می‌کند. کدهایی نظری مانند: «برای آخرت عمل کردن»، «به یاد مرگ بودن» و «پرهیزکار و رستگار بودن» نشان می‌دهد انسان خردمند در زندگی‌اش همواره آخرت و مرگ را پیش چشم خود، زنده نگاه می‌دارد. طبیعی است که این رویکرد بر احساسات و رفتارهایش به میزان زیادی اثر می‌گذارد و چگونگی تعامل‌های وی با دیگران، خودش و دنیا را رقم می‌زند. با توجه به بررسی‌های صورت گرفته، در منابع روان‌شناسی درخصوص ویژگی انسان خردمند، این بعد یافت نشد. دیدگاه روان‌شناسی دارای بُعد «در ارتباط با اجتماع» است. این بعد با ویژگی‌هایی مانند «تعهد داشتن به جامعه»، «قوی بودن پیوندهای اجتماعی»، «قدرت انطباق داشتن» و «داشتن تجربه‌های اجتماعی» توصیف شده است و کدهای اساسی «به جامعه تعهد اخلاقی داشتن»، «قوی کردن پیوندهای اجتماعی»، «بالا بودن مهارت اجتماعی»، «داشتن تجربه‌های مفید بحرانی»، «تعامل خوب با موقعیت‌های زندگی» و «سازگاری با محیط و انطباق با شرایط»، توانمندی و تعهد انسان خردمند در برابر جامعه را نشان می‌دهد. در این پژوهش، در دیدگاه روایتی، «ارتباط با اجتماع» و تعامل‌های بین فردی در بُعد ویژگی‌های بین فردی کدگذاری شده است.

ویژگی‌های درون فردی در هر دو دیدگاه، بیشترین کدها و زیرکدها را به خود اختصاص داده‌اند و کثرت این کدها اهمیت و زیاد بودن توانایی‌های فردی انسان خردمند و توجه به خودسازی در هر دو دیدگاه را نشان می‌دهد. در منابع روایتی، برخی کدهای نظری مانند «نفس خود را حفظ کردن»، «اصلاح کردن خود»، «پسندیده عمل کردن»، «کنترل احساسات»، «قانع بودن»، «با خطای خود برخورد کردن»، «خودنگهدار بودن»، «پاکدامن بودن» و «صبور بودن»، حاکی از ویژگی خودنگهداری و کنترل خویش است. مطلق بودن خوب و بد، هم‌گرایی حق و باطل، و توانایی انسان خردمند در تشخیص دادن آن‌ها نتیجه کدهایی نظری مانند «تشخیص خوب و بد»، «جدا کردن حق از باطل»، «اهل یقین بودن»، «شناخت واجب

و حرام» و «درک واقعیت امور» است. بیشترین زیرکدهای نظری، متعلق به حق‌پذیری است و این ویژگی به‌نوعی، ثبات حق و الزام انسان خردمند در تبعیت از آن را تأیید می‌کند. کدهایی نظری مانند «باحیابودن»، «باوقاربودن»، «حسودنبودن»، «بااخلاص‌بودن»، «رازداربودن» و «میان‌روبودن»، برخی ویژگی‌های اخلاقی و ارزش‌مدار در این دیدگاه را نشان می‌دهند. «پویایی»، «زیرکی»، «اهل تفکر بودن» و «دوراندیش‌بودن» برخی توانایی‌های انسان خردمند شمرده شده‌اند که البته در راستای ارزش‌ها و خوب و بد مطلق او به‌کارگرفته می‌شوند. مجموع این ویژگی‌ها نشان می‌دهند انسان خردمند، ملزم به رعایت باید‌ها و نیاید‌های درونی‌ای است که او را در زمره خردمندان قرار می‌دهند. این الزام‌ها به‌نوعی خردمندی و همچنین خودپذیری انسان عاقل را به ارزش‌ها مشروط می‌کنند و او در صورت تخطی از آن‌ها مؤلفه‌هایی مانند «حیا»، «شرمندگی از اشتباه خود»، «با خطای خود برخورد کردن» و زیرکدهایی نظری مانند: «از خطای خود بازگشتن»، «از گناه توبه کردن» و «به فکر جبران اشتباه خود بودن» را باید درپیش بگیرد؛ به عبارت دیگر، نوعی حق‌محوری در بسیاری از این کدهای نظری و زیرکدهای نظری وجود دارد.

بعد درون‌فردی در دیدگاه روان‌شناسی، بیانگر ویژگی‌های شناختی، مهارتی و هیجانی انسان خردمند است. کدهای «داشتن مهارت حل مسئله»، «باهوش‌بودن»، «بالابودن توانمندی‌های شناختی»، «دانش‌داشتن»، «از گذشته درس گرفتن» و «به خود توجه‌داشتن»، بیانگر توانمندی‌های شناختی است. از جهت عملی، کدهای نظری «راهگشایی عملی داشتن»، «تخصص در کار داشتن»، «استفاده بهینه از تجربه»، «توجه‌داشتن به ارزش‌ها» مهارت‌های فردی را نشان می‌دهد. کدهای نظری «خوش‌روبودن»، «داشتن مدیریت هیجان» و «یکپارچه‌بودن»، انسان خردمند را از جهت هیجانی متمایز می‌کند.

براساس یافته‌های این پژوهش، بعد ویژگی‌های بین‌فردی در روایات، کدهایی نظری مانند «کناره‌گیری نکردن از دیگران» و «مردم‌داربودن»، «مدارا کردن»، «وفاداربودن» و «گذشت کردن»، اهمیت برقرار کردن ارتباط و حفظ ارتباط با دیگران را نشان می‌دهند.



کدهایی نظری مانند «رو راست بودن»، «قضاوت بیجا نکردن»، «منصف بودن»، «خیر خواه بودن»، «متواضع بودن»، «مهربان بودن»، «سخاوتمند بودن» و «سنجیده بودن گفتار»، قواعد و راهکارهای ارزش مدار برای برقراری و حفظ ارتباط نشان می دهند. کدهایی نظری مانند «نیکی کردن به والدین» و «همسایه خوب بودن»، بیانگر اهمیت توجه به حقوق دیگران با توجه به جایگاه آنهاست و نشان می دهد در ارتباط با دیگران، همه انسانها به صورت یکسان و بدون تفاوت با یکدیگر در نظر گرفته نمی شوند.

در بُعد ویژگی های بین فردی در دیدگاه روان شناسی، کد نظری «اهمیت دادن به دیگران»، بیانگر محترم دانستن دیگران در این دیدگاه است. کد نظری «اثرات مفید داشتن برای دیگران» با زیرکدهایی نظری مانند «به بقیه آرامش دادن»، «مراقبت کردن از دیگران» و «به خیر همگانی دست یافتن» نشان می دهد انسان خردمند به دیگران متعهد است. کد نظری «درباره دیگران، خوب قضاوت کردن» نشان می دهد در ارزیابی دیگران باید از انواع جهت گیری ها خودداری کرد.

در مجموع، مقلیسه دو دیدگاه نشان می دهد در دیدگاه و حیانی به جزئیات هریک از ابعاد، بیشتر پرداخته شده؛ اما در دستاوردهای روان شناختی، بیشتر، کلیات مورد توجه قرار گرفته است.

بر اساس یافته های این پژوهش، در دیدگاه درون دینی، کثرت کدهای نظری و زیرکدهای نظری درون فردی و بین فردی انسان خردمند در مقایسه با دیگر ابعاد، اهمیت اخلاق و ارتباطات انسانی از نظر شارع را نشان می دهد. پیامبر اکرم (ص) در تأیید این مطلب می فرماید: «من فقط مبعوث شده ام تا مکارم اخلاق را کامل کنم» (طبرسی، ۱۳۷۰). خرد انسان، ارتباط صحیح در تعامل با انسانها را تعیین و تبیین می کند و خردمندی انسان در گرو پذیرش و به کار بستن این اخلاقیات است.

با استفاده از یافته های بخش روایتی این پژوهش می توان به مسئله خرد از منظر درون دینی نگریست؛ زیرا در این فرهنگ، خردمندی ستون انسانیت (کلینی، ۱۴۰۷ق) و

ملاک برتری انسان بر چهارپایان است. امیرالمؤمنین (ع) می‌فرماید: «خداوند در حیوانات، شهوت را بدون عقل قرار داد؛ ولی در انسان، عقل و شهوت را با هم گذاشته است؛ پس هرکس شهوتش را بر عقلش غلبه دهد، پست‌تر از حیوانات است» (صدوق، ۱۳۸۵، ج. ۱، ص. ۴). با استفاده از خصوصیات انسان خردمند که در این تحقیق استخراج شده است، می‌توان شاخصه‌ها و هدف‌های تربیتی انسان را تعریف و دسته‌بندی کرد و مریبان و انسان‌های وارسته که درصدد تربیت، رشد و تعالی خود هستند، می‌توانند با نهادینه‌کردن این هدف‌ها به سمت ارتقای سطح خردمندی خود و متریانشان حرکت کنند. یافته‌های بخش روان‌شناسی این پژوهش می‌تواند با تفصیل مؤلفه‌های استخراج‌شده در جهت روشمندکردن این آموزش هم‌افزایی داشته باشد.

در انجام‌دادن این پژوهش، محدودیت‌هایی وجود داشته؛ مانند وسعت زیاد روایات مرتبط با این تحقیق که سبب دشواری گردآوری و کدگذاری شده؛ همچنین بین‌رشته‌ای بودن پژوهش، روند انجام‌شدن آن را طولانی کرده است. گرچه در این پژوهش، مانند هر پژوهش کیفی دیگر، احتمال دخالت‌یافتن ذهنیت پژوهشگر مطرح است، می‌توان گفت به سبب تشکیل‌شدن مثلث متخصصان، این احتمال کاهش یافته است. از آنجا که حُسن خلق و ادب با عقل ارتباط تنگاتنگ دارد، پیشنهاد می‌شود پژوهش کیفی مشابهی برای استخراج ویژگی‌های افراد بااخلاق صورت گیرد و مقایسه‌ای بین مؤلفه‌ها و زیرمؤلفه‌های این دو پژوهش انجام شود؛ همچنین پیشنهاد می‌شود براساس این یافته‌ها بسته‌های آموزشی برای ارتقای سطح خردمندی اقشار گوناگون جامعه از مقطع دبستان به بالا طراحی شود؛ علاوه‌بر آنچه گفتیم، ساختن و استانداردسازی پرسشنامه خرد براساس این رویکرد، راه را برای انجام‌شدن پژوهش‌های بعدی هموار می‌کند.

#### منابع

- نهج البلاغه (۱۴۱۴ق). (محمد بن حسین رضی، مترجم). (چاپ ۱). قم: هجرت.  
آنطوان، الیاس (۱۳۷۶). القاموس العصری. تهران: امیرکبیر.

- ابن شعبه حرانی، حسن بن علی (۱۴۰۴ق). *تحف العقول* (چاپ ۲). قم: جامعه مدرسین.
- ابن طاووس، علی بن موسی (۱۳۷۵). *کشف المحججه لثمره المهججه*. قم: بوستان کتاب.
- ابن فارس، احمد بن فارس (۱۴۰۴ق). *معجم مقاییس اللغة* (چاپ ۱). قم: مکتب الإعلام الإسلامی.
- ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۴ق). *لسان العرب* (چاپ ۳). بیروت: دار صادر.
- اتکینسون، هیلگارد ارنست (۱۳۸۱). *زمینه روان‌شناسی* (محمدنقی براهنی، مترجم) (چاپ ۱۰). تهران: رشد.
- اربلی، علی بن عیسی (۱۳۸۱ق). *کشف الغمه فی معرفه الأئمه*. تبریز: بنی هاشمی.
- اسعدی، سمانه؛ امیری، شعله؛ مولوی، حسین؛ و باقری نوع‌پرست، خسرو (۱۳۹۲). *معرفی مفهوم خردمندی در روان‌شناسی و کاربردهای آموزشی آن*. فصلنامه رویکردهای نوین آموزشی، ۱، ۲۸-۱. برقی، احمد بن محمد (۱۳۷۱ق). *المحاسن*. قم: دار الکتب الاسلامیه.
- برن، اریک (۱۳۹۹). ... (اسماعیل فصیح، مترجم). تهران: نشر نو.
- بنی هاشمی، محمد (۱۳۹۸). *کتاب عقل*. تهران: نشر منیر.
- تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد (۱۴۱۰ق). *غرر الحکم و درر الکلم* (چاپ ۲). قم: دار الکتب الإسلامی.
- چراغی، فرشته؛ کدیور، پروین؛ عسگری، علی؛ فرزاد، ولی‌الله (۱۳۹۴). *مفهوم خرد برپایه دو رویکرد نظری متفاوت: یک همبستگی بنیادی*. تازه‌های علوم شناختی، ۱۷(۳)، ۴۷-۵۴.
- حلوانی، حسین بن محمد (۱۴۰۸ق). *نزهة الناظر و تنبیه الخاطر*. قم: مدرسه الإمام المهدي (عج).
- دیالمه، نیکو (۱۳۹۲). *خردورزی در هندسه معرفتی تفسیر سوره حجرات*. فصلنامه علمی-پژوهشی مطالعات تفسیری، ۴(۱۴).
- راوندی کاشانی، فضل‌الله بن علی (بی‌تا). *النوادر* (چاپ ۱). قم: دار الکتب.
- سند تحول بنیادین (۱۳۹۰). دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی وزارت آموزش و پرورش - شورای عالی آموزش و پرورش.
- شرتونی، سعید (۱۴۰۳ق). *اقرب الموارد*. قم: مکتبه آیه‌الله مرعشی.
- شریفی، حسن پاشا (۱۳۷۶). *نظریه و کاربرد آزمون‌های هوش و شخصیت*. تهران: سخن.

- شعیری، محمد بن محمد (بی تا). جامع الاخبار. نجف: مطبعة حیدریة.
- شهید اول، محمد بن مکی (۱۳۷۹). الدرّة الباهرة من الأصداف الطاهرة. قم: زائر.
- شهید ثانی، زین الدین بن علی (۱۴۰۹ق). منیة المرید. قم: مکتب الإعلام الإسلامی.
- صدوق، محمد بن علی (۱۳۶۲). الأملی. قم: کتابخانه اسلامیة.
- صدوق، محمد بن علی (۱۳۶۲ق). النخصال (چاپ ۱). قم: جامعه مدرسین.
- صدوق، محمد بن علی (۱۳۷۸). عیون أخبار الرضا علیه السلام (چاپ ۱). تهران: نشر جهان.
- صدوق، محمد بن علی (۱۳۸۵). علل الشرائع (چاپ ۱). قم: کتاب فروشی داوری.
- صدوق، محمد بن علی (۱۳۹۸ق). التوحید (چاپ ۱). قم: جامعه مدرسین.
- صدوق، محمد بن علی (۱۴۱۳ق). من لا یحضره الفقیه. قم: جامعه مدرسین.
- طبرسی، حسن بن فضل (۱۳۷۰). مکارم الأخلاق (چاپ ۴). قم: شریف رضی.
- طوسی، محمد بن حسن (۱۴۱۴ق). الأملی. قم: دار الثقافة.
- عسکری، حسن بن عبدالله (۱۴۰۰ق). الفروق فی اللغة (چاپ ۱). بیروت: دار الآفاق الجدیة.
- علامه حلی، حسن بن یوسف بن مطهر (۱۴۱۱ق). کشف الیقین فی فضائل أمير المؤمنین علیه السلام. تهران: وزارت ارشاد.
- فتال نیشابوری، محمد بن احمد (۱۳۷۵). روضة الواعظین و بصیرة المتعظین (چاپ ۱). قم: رضی.
- قرطبی، محمد بن احمد (۱۴۰۷ق). الجامع لأحكام القرآن. بیروت: دار الفکر.
- قطب الدین راوندی، و سعید بن هبة الله (۱۴۰۷ق). الدعوات (چاپ ۱). قم: مدرسه امام مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف).
- کراجکی، محمد بن علی (۱۴۱۰ق). کنز الفوائد (چاپ ۱). قم: دار الذخائر.
- کراسول، جان دبلیو؛ کلارک، پلانو (۱۳۹۸). روش های پژوهش کیفی. تهران: نشر بزم.
- کردنوقابی، رسول (۱۳۹۶). روان شناسی خرد. تهران: ارجمند.
- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷ق). الکافی. تهران: الإسلامیة.
- گراث، گری؛ مارنات (۱۳۷۵). راهنمای سنجش روانی (حسن پاشا شریفی و محمدرضا نیکخو، مترجمان) (چاپ ۲). تهران: رشد.

گیج، ال. نیت؛ و برلاینر، سی. دیوید (۱۳۷۴). روان‌شناسی تربیتی (غلام‌رضا خوی‌نژاد، مترجم). مشهد: مؤسسه انتشارات حکیم فردوسی.

لیثی واسطی، علی بن محمد (۱۳۷۶). عیون الحکم و المواعظ. قم: دار الحدیث.

مفضل بن عمر (بی‌تا). توحید المفضل. قم: داوری.

مفید، محمد بن محمد (۱۴۱۳ق). الأمالی. قم: کنگره شیخ مفید.

Ardelt, M.; Jeste, D. V. (2016). Wisdom and Hard Times: The Ameliorating Effect of Wisdom on the Negative Association between Adverse Life Events and Well-Being. *The Journals of Gerontology*. Series B. Glück, Judith (2017). Measuring Wisdom: Existing Approaches, Continuing Challenges, and New Developments, *Journals of Gerontology: Psychological Sciences*, Series B.

Kazdin, E. Alan (2000). *Encyclopedia of Psychology*. New York: American Psychology Association.

Kunzmann, Ute.(2019). *Performance-Based Measures of Wisdom*. Cambridge University Press. 277-296. Masood Nawaz Kalyar, Hadiqa Kalyar (2018). Provocateurs of Creative Performance: Examining the Roles of Wisdom Character Strengths and Stress. *Personnel Review*, 47(2), 334-352.

Zacher, H.; Staudinger, U. (2018). *Wisdom and Well-Being*. In: E. Diener, S. Oishi and L. Tay (Eds.). *Handbook of Well-Being*. Noba Scholar Handbook Series: Subjective Well-Being. Salt Lake City.